

## جام طلای افسانه زندگی

### مکشوفه

#### در حفاری مارلیک

در آن هنگام که هیأت حفاری مارلیک با کوشش فراوان بکار خود ادامه میداد، باستان‌شناسان و دانشمندان و کسانیکه بدیند احترام، به آثار باستانی و شاهکارهای هنری و افتخارات ملی این سرزمین کهن مینگریستند و به دل عشق و شوق دیدار آثار مکشوفه ایران و بررسی و مطالعه در آنها داشتند پای در رکاب سربدان سامان می‌نهادند. با وجود دشواری راه خصوصاً قرار داشتن تپه مارلیک در ارتفاعات کوهستانی رحمت آباد رودبار، و نبودن هرگونه راه ارتباطی اتومبیل‌رو، مشتاقان این آثار با تحمل رنج سفر و صرف وقت بر هیأت حفاری مارلیک منت می‌نهادند و موجب دلگرمی ایشان می‌گردیدند.

آنهاکه به کارهای بیابانی و صحرائی آشنایند و برای پی‌گردی و تحقیق در زمینه‌های گوناگون علمی مدتی دور از شهر و دیار به تنحص و بررسی می‌پردازند، بخوبی با تأثیر عمیق این گونه دیدارها و ابراز علاقه‌ها و همکاری‌هایی که بنحوی از طرف جامعه و مؤسسات مختلف انجام می‌گیرد آشنایی دارند و مقدم این گونه میهمانان را که برای قدردانی و سپاس از کوششهای آنان، رنج سفر را بر خود هموار کرده‌اند، گرامی میدارند.

در میان این گروه ارجمند از میهمانان و دیدارکنندگان، هیأت حفاری مارلیک افتخار آن را داشت، که در اواخر اسفندماه ۱۳۴۰، مقدم دومیهمان

عزیز و بلند مقدار، جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی، که در آن زمان ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به دست کفایت خود داشتند، و این مجموعه برگ سبزی است که بمناسبت تجلیل از فعالیتهای ارزنده فرهنگی ایشان به بوستان دانش و فضایشان تقدیم میگردد.؛ و همچنین جناب آقای کلنل علینقی وزیری، استاد مسلم فرهنگ و هنر و موسیقی کشور را که خدمات صادقانه و ارزنده ایشان به عالم ادب و هنر وصف ناپذیر می باشد، گرامی دارد.

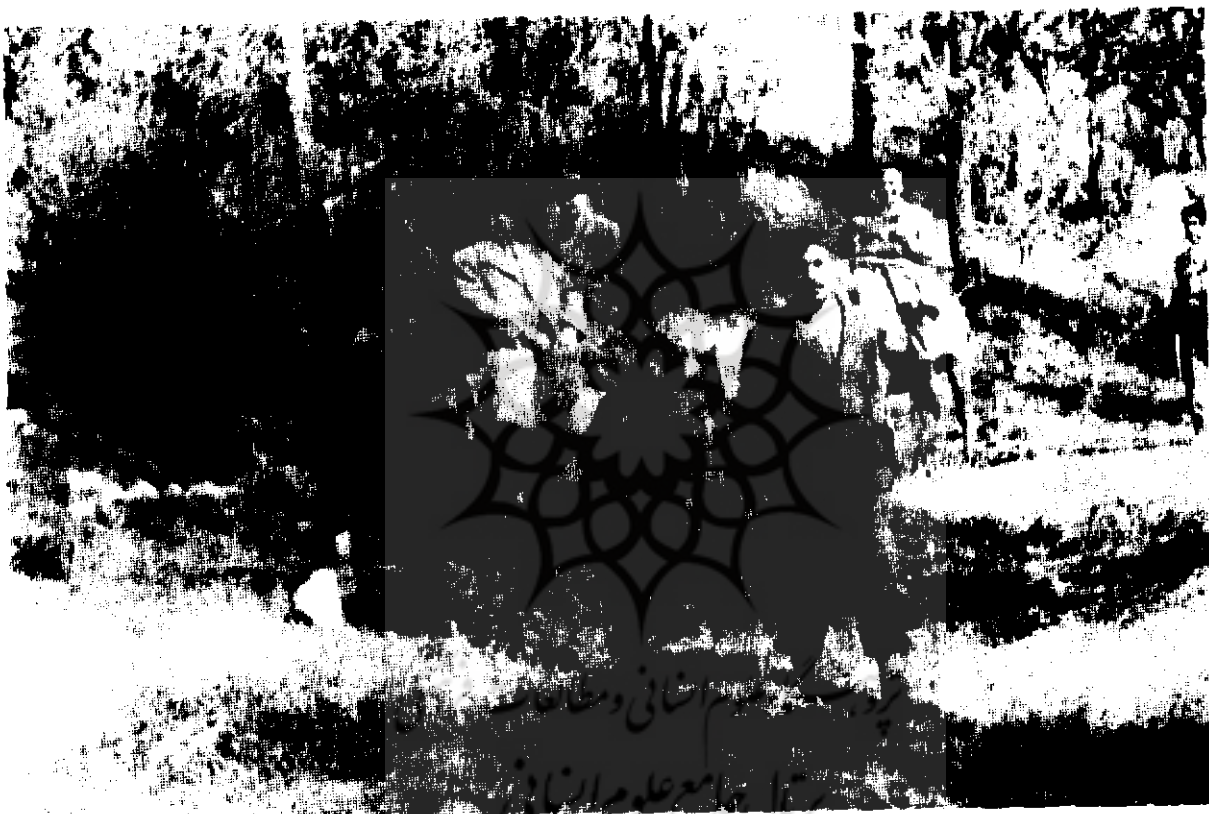


Fig 3 H.E. Ali Naghi Vaziri, H.E Dr. Ali Akbar Siassi and the author on mule back.

عکس یادگاری است از دیدار جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی و جناب آقای کلنل علینقی وزیری از حفاری مارلیک که سواره راه پرپیچ و خم کوهستان را بشوق دیدار آثار گرانبهادر باستانی ایران عزیز می سپرند.

آقای کلنل وزیری نفر اول و آقای دکتر سیاسی نفر دوم و نگارنده نفر سوم این گروه سواره می باشند. ایشان در روز پنجشنبه ۱۳۴۰/۱۱/۲۴ ش. پای در رکاب سفر آوردند و روز بعد یعنی جمعه ۱۳۴۰/۱۲/۲۵ پس از بررسی عملیات حفاری مراجعت کردند.

و همینکه میهمانان ارجمند مارلیک کوه و صحرا را درمی نوردند و به محل حفاری میرسند، هیأت حفاری مارلیک خوش آمد گویان به پیشواز می شتابند و ایشان را در برمیگیرند. دو عکس زیر برای من خاطرات خوش آنروز را پیوسته زنده و شیرین میدارند.



Fig. 4 Expedition team and honored visitors: Erom right, Mr. Mahmood Kordovani, Mr. Reza Mostofi H.E. Dr. Ali Akbar Siassi, H E. Ali Naghi Vaziri, author, Mr Seifollah Kambakhsh, Mr. Jahangir Yassi and Mr. Iraj Moafi.

از راست به چپ ۱- آقای محمود کردوانی ۲- آقای دکتر رضا مستوفی ۳- جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی ۴- جناب استاد کلنل علینقی وزیر ۵- نگارنده مقاله ۶- آقای سیف الله کامبخش فرد ۷- آقای جهانگیر یاسی ۸- آقای ایرج مافی.



Fig. 5 From right: Mr. Iraj Moafi, Mr. Mahmood Kordovani, H.E. Dr. Ali Akbar Siassi, author, H.E. Ali Naghi Vaziri, Mr. Seifollah Kambakhsh and Mr. Reza Mostofi.

درعکس فوق از راست به چپ ۱- آقای ایرج مافی ۲- آقای محمود کردوانی ۳- جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی ۴- نگارنده مقاله ۵- جناب آقای علینقی وزیر ۶- آقای سیف الله کامبخش فرد ۷- آقای دکتر رضا مستوفی دیده میشوند که پس از دیدار عملیات حفاری در حال بازگشت به قرارگاه می باشند.

اینک به یاد آن روز و بمناسبت تنظیم این مجموعه، شرحی بر یکی از جامهای طلای مکشوفه در حفاری مارلیک، که به نام «افسانه زندگی» معروف شده است تقدیم خوانندگان محترم میگردد.

### جام طلای افسانه زندگی

در اواسط پائیز سال ۱۳۴۰ شمسی، هنگامیکه بررسی منطقه رودبار استان گیلان بمنظور تهیه نقشه باستانشناسی کشور در دست انجام بود، تپه‌ای در شمال دهکده نصفی، در دره گوهر رود کشف شد که از نظر تاریخ و هنر

گذشته ایران از هر لحاظ حائز کمال اهمیت بود. این تپه آثار آرزنده قبرستان سلاطین و سرداران اقوامی را که در حدود اوایل هزاره دوم و اوائل هزاره اول پیش از میلاد، یعنی تقریباً در حدود سه هزار سال پیش، در شمال کشور ما فرمانروایی داشته‌اند آشکار نمود.

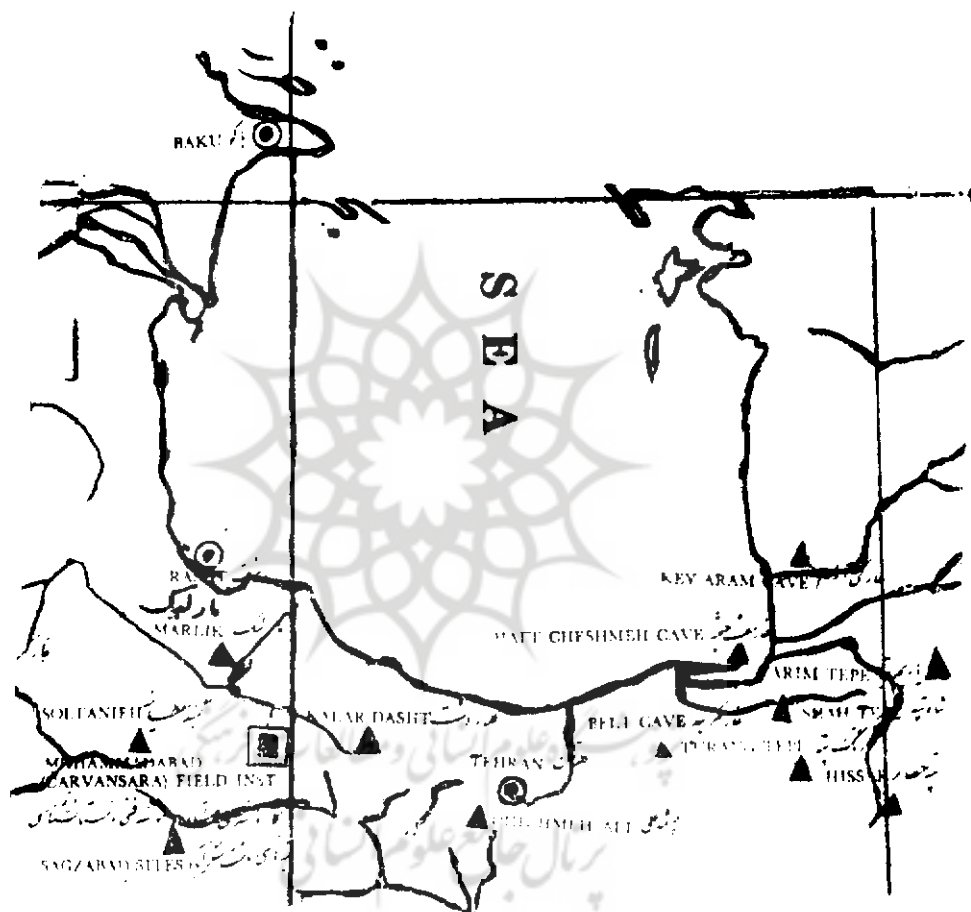


Fig. 1 Map of Marlik.

این تپه که امروز به نام تپه مارلیک مشهور است، مدت چهارده ماه، از اواسط پائیز ۱۳۴۰ تا اواخر پائیز ۱۳۴۱، بوسیله هیأت مشترک موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، و اداره کل باستانشناسی بسرپرستی دکتر عزت‌الله نگهبان، مورد حفاری واقع شد. و در آن ۵۳ آرامگاه کشف گردید که هر کدام

از این آرامگاهها بنا بر عقاید مذهبی آن زمان مملو از آثار ارزنده و نفیس هنری بود که در مراسم تدفین مرده، با نظم و ترتیب خاصی که مطابق معمول آن دوران بوده است، مرتب شده بود.

آرامگاههای مکشوفه در حفاری قبرستان سلاطین مارلیک، با وجودیکه بنا بر قدرت و اهمیت و ثروت صاحبان آنها چه از نظر طرز ساختمان و چه از



Fig. 2 General view of Marlik tepe.

منظره عمومی دره کوهر رود، تپه مارلیک با علامت پیکان مشخص شده است.

نظر اشیاء با یکدیگر تفاوت داشتند، ولی همگی بهترین معرف طرز عقاید و افکار این اقوام نسبت به وجود زندگانی پس از مرگ بوده و مدارك مستند و ارزنده‌ای را در زمینه پیشرفت هنر و صنایع کشور ما در دوران گذشته در اختیار باستانشناسان قرار داده‌اند، که امروز مطالعه آنها کمک شایانی نسبت به روشن نمودن زوایای تاریک تاریخ دورانی از کشور ما مینماید. از درون این آرامگاهها هزاران اثر نفیس هنری آشکار گردید، که از آنجمله تعداد کثیری جامهای تزیینی طلا و نقره و مفرغ می‌باشد و ما در اینجا به شرح یکی از این جامهای تزیینی، که صحنه‌ها و نقوش حکاکی شده بر روی آن با ترتیبی خاص بیانگر داستان زندگی يك بزکوهی است می‌پردازیم.

ناگفته نماند این جام که در مجموعه آثار باستانی مارلیک بنام «جام افسانه زندگی» نام گرفته است از اولین نمونه‌هاییست که يك هنرمند باستانی سعی نموده است افسانه‌ای را متضمن صحنه‌های مختلف از ابتدا تا انتها بر روی يك جام طلا بصورت يك داستان مصور نمایش دهد.

نقوش روی جام که بسبب برجسته از متن جام بیرون آمده‌اند شامل چهار ردیف هستند که هر يك از این ردیفها عموماً يك صحنه خاص را در اطراف جام تکرار مینماید که ابتدای داستان از ردیف پایین شروع شده و به ترتیب بطرف ردیفهای بالا هر يك بنوبت ادامه داده شده است و بشرح ذیل می‌باشد.

عکس صفحه ۴۹ نمودار یکطرف از جام طلای افسانه زندگی است. این جام در حدود بیست سانتیمتر ارتفاع و چهارده سانتیمتر قطر دهانه دارد و از یکی از آرامگاههای قسمت شمالی تپه که در منطقه VI B+ واقع شده بود کشف گردید. جام تقریباً از زرناب ساخته شده و بهمین علت فلز آن نرمشی خاص دارد. قسمت لبه جام بصورت مفتول درآمده و استحکام بیشتری به لبه جام داده است





Fig. 6 The gold vase with the story of life.  
Photo, J. Burke.



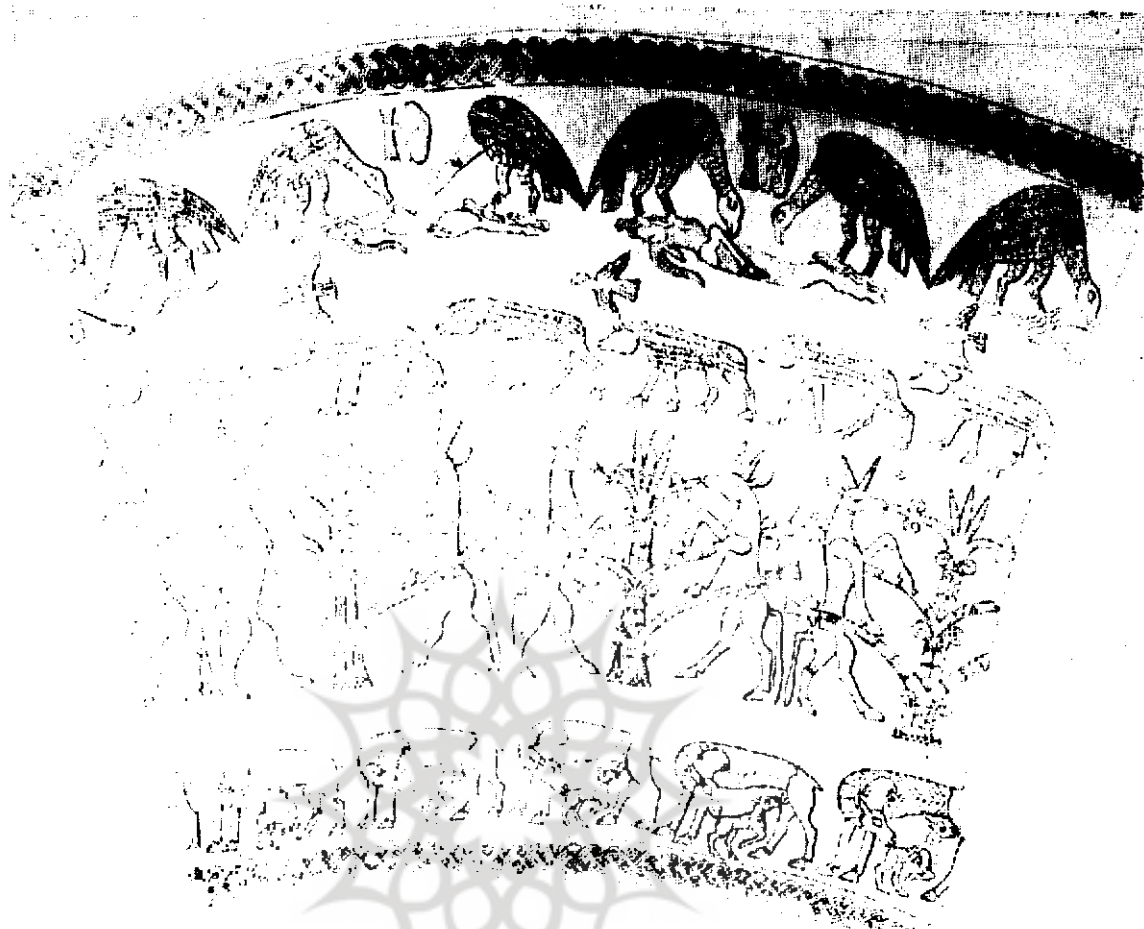


Fig. 7 Drawing of the complete design encircling the vase. Drawing by Miss. Lili Taghipoor. Iran-Bastan Museum.

طراحی: خانم لیلی تقی پور. هنرمند طراح موزه ایران باستان

۱- در عکس فوق، ردیف اول یا پایین ترین ردیف، صحنه اولین مرحله زندگی بزرگانی را که تازه از مادر متولد شده و از پستان مادر شیر میخورد معرفی مینماید. در این صحنه هنرمند کاملاً از وضعیت رشد نمودن حیوانات آگاهی داشته، در سر بزرگوان فقط گوش را نمایش داده و چون شاخها هنوز نروئیده است، منقوش نگردیده و تصویر ذیل بخوبی نمایشگر آن صحنه است.



Fig. 7 The first register, showing the young goat suckling from its mother.

۲- ردیف دوم که در بالای ردیف قبل قرار گرفته بطرز متقارن بز نوجوانی را که در حال بالارفتن از درخت میباشد نمایش میدهد. در این صحنه بز از مرحله کودکی گذشته و بجای شیر نوشیدن از پستان مادر، از درخت برگ میخورد. جالب اینجا است که هنرمند برای نمودن سن حیوان اولاً شاخهایی مستقیم و جوان را بر روی سر آن تصویر کرده است و ثانیاً بر روی شاخ دو گره یا خط دیده میشود که نشانه دو سال است.



Fig. 9 The second register, showing the young goat eating from the tree of life.

۳- ردیف سوم یا بالاتر شامل نقش گرازی در حال راه رفتن است و سر حیوان بطرف جلو و احتمالاً حالت حمله نمایش داده شده و گرداگرد جام تکرار می شود. هویت حیوان بخوبی از دندانهای نیش که همزمان در نمایش آنها دقت خاصی نموده است آشکار می گردد. این صحنه که در عکس زیر بخوبی مجسم گردیده، نمایش سومین مرحله داستان است و نشان می دهد که در سنین بعدی، زندگانی بزبوسبله گرازی به خطر افتاده است.



Fig. 10 The third register, showing the wild boar which kills the goat.

۴- ردیف چهارم یا آخرین قسمت نقش صحنه تقریباً کاملی است که آخرین مرحله زندگانی بز را نمایش میدهد و در اطراف جام تکرار شده است. این صحنه که تصویر آن در ذیل آمده است جسد کشته شده بز را در وسط نشان داده که لاشخورهای بزرگی مشغول خوردن بدن آن هستند. بز دیگر بصورت حیوان جوانی نشان داده نشده است و بر روی شاخهای بلند و منحنی او یازده گره یا خط که معرف عمر اوست مشاهده میگردد. هنرمند بخوبی دقایق و جزئیات صحنه را در نظر گرفته و با این وضعیت اظهار نموده است که این حیوان در سنین یازده سالگی مورد مخاطره بوسیله گراز قرار گرفته و در نتیجه کشته شده است. نگارگر در این نگاره آخرین مرحله زندگانی و عمر بز را به پایان رسانیده است. در این صحنه هنرمند سعی نموده است که ابعاد صحنه را

چه از نظر عرض و طول و چه از نظر عمق نمایش داده و بعبارت دیگر صحنه‌ای سه بعدی بوجود آورد چنانکه لاشخورهاییکه در حال خوردن جسد حیوان هستند بسیار بزرگ و آنهاییکه در حال پرواز هستند کوچکتر نمایش داده شده‌اند. همچنین وسط صحنه در بالا حیوانی مقابل شیء که شبیه به درخت تزیینی کوچک یا پایه‌ایست مشاهده می‌گردد.



Fig. 11 The fourth register, showing vultures eating the carcass of the goat.

این حیوان بر اساس شکل ظاهری ممکن است بعنوان جنین نوزاد و یا میمون تعریف گردد. در صورتیکه آنرا جنین کودک تصور نمائیم هنرمند در این صحنه پردازی خواسته است تسلسل حیات و ممات را از تولد بمرگ و سپس تولد مجدد نمایش دهد و در نمایش صحنه‌های این جام بخوبی و در نهایت



توانایی از عهدۀ انجام این کار برآمده است. در حالت دوم که ممکن است این حیوان بعنوان میمون تصور گردد احتمال دارد هنرمند بگونه‌ای از اساطیر و افسانه‌های اولیه هند و ایرانی و ادبیات آن زمان الهام گرفته و داستان زندگانی جنگل و حیوانات را برای عبرت انسان بر روی این جام منجلی نموده است. در این گونه افسانه‌ها که آخرین تجلیات آن در داستانها و کتابهایی مانند کلیله و دمنه باقی‌مانده است عموماً زندگانی و رابطه حیوانات در جنگل بعنوان نصیحت و پند و اندرز مورد استفاده واقع میگردد. به خصوص در زندگانی جنگل که میمون بعنوان يك حیوان باهوش و با تدبیر شناخته شده و در نقوش این جام شاید در رابطه با ادبیات باستانی و گذشته اقوام هندو ایرانی عدم اعتبار زندگانی اظهار گردیده و هنرمند عدم اعتماد بدان را در این داستان مصور در نهایت ظرافت و ذوق و سلیقه نمایش داده است. بهر حال در هر دو صورت در تفسیر آخرین و بنیادین ردیف نقش که آخرین مرحله داستان است هنرمند یکی از



Fig. 12 The matting desing on the base of the vase.



جالبترین و آموزنده‌ترین داستانهای مصور را در تاریخچه داستانهای مصور در این مکتب‌والای هنری بوجود آورده است. در کف جام نیز نقش بسیار زیبایی که از بافت حصیر تقلید شده است مشاهده می‌گردد.

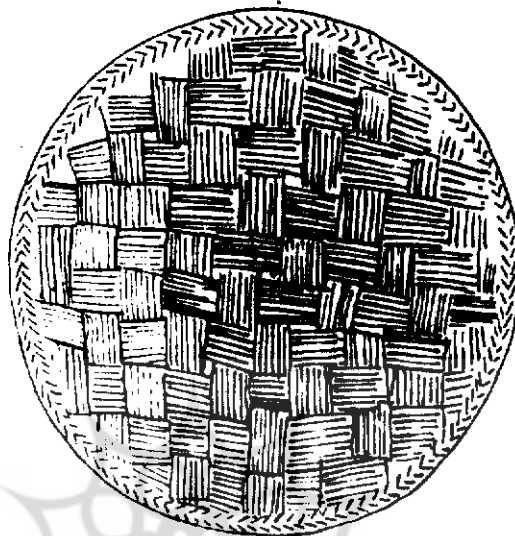


Fig. 13 Drawing of the mattiog design on the base of the vase. Drawing by Miss Lili Taghiponr, Iran-Bastan Muscum

طراحی: خانم لیلی تقی‌پور

این جام نه فقط از نظر اولین نمونه‌های داستان مصور حائز کمال اهمیت است بلکه یکی از شاهکارهای هنری دنیای باستان است که در نوع خود کم- نظیر بوده و سازنده آن در نهایت تبحر به تکنیک پیشرفته صنعت فلزسازی واقف بوده و از آن به بهترین نحوی در ساخت جام استفاده نموده است.